

فرایندهای واجی در گویش بادرودی - اریسمانی

علیرضا غلامی بادی^۱

محمد رضا معصومی^۲

چکیده

گویش بادرودی - اریسمانی یکی از گویش‌های مرکزی ایران است که در گمنامی و غربت به سر برده و به حیات خود ادامه می‌دهد. این گویش آن چنان از نگاه پژوهشگران پنهان مانده، که کمتر کسی آن را شناخته و راجع به آن تحقیقات علمی انجام داده است اما مطالعات میدانی و نگاهی هر چند گذرا حکایت از آن دارد که فرآیند واجی در این گویش از اهمیت خاصی برخوردار بوده و یکی از شاخصه‌های ممتاز آن به شمار می‌رود. گویشوران این گویش، واژه‌های دخیل را کمتر به صورت اصلی پذیرفته‌اند بلکه با تغییر برخی از واج‌ها یا حذف و افزایش آن‌ها واژه‌ای بر آن مبنا ساخته و به کار برده‌اند. با توجه به این که با تغییر هر یک از مصوت‌ها و صامت‌ها، واژه‌ای جدید به موازات زبان فارسی معیار خلق می‌شود که می‌تواند بر غنای زبان و ادب فارسی و شیوه واژه‌سازی بیفزاید؛ بررسی فرایندهای واجی گویش بادرودی - اریسمانی نیز زوایای پنهان این گویش را آشکار کرده و رابطه تنگاتنگ آن با زبان فارسی معیار را مشخص خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: ابدال، کاهش، افزایش، ادغام، قلب، گویش اریسمانی

^۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول) Alirezaghoolamibady@yahoo.com

^۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۷

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

شهر بادرود و دهستان اریسمان از نظر تقسیمات کشوری از توابع شهرستان نطنز و استان اصفهان به حساب می‌آیند. این دو منطقه در امتداد یکدیگر در کنار جاده اصلی کاشان - اردستان واقع شده‌اند. شغل بیشتر مردان این منطقه کشاورزی و دامپروری و شغل زنان آن قالی‌بافی است (ر.ک. نقدی بادی، ۱۳۸۵: ۲). «این انسان‌های صبور و سخت‌کوش دارای گویشی بکر و دست‌نخورده‌ای هستند که مائترک به‌جامانده از نیاکان آن‌هاست. آنانی که کویر را بر جنگل و کوه و دریا برتری دادند و آن را برای سکونت برگزیدند و با دست و پنجه نرم‌کردن با این طبیعت خشن و ناهموار بر آن فایق آمده، چگونه‌زیستن را با این گویش دلنشین به فرزندان خود آموختند، گویشی که متکلمان آن به سی هزار نفر نمی‌رسد اما آن چنان دارای واژگان غنی است که تأمل و تعمق بر روی آن را می‌طلبد» (غلامی بادی، ۱۳۸۷: ۶۶). گویش بادرودی و اریسمانی از مجموعه گویش‌های مرکزی ایران است. تقسیمات چهارگانه گویش‌های مرکزی ایران شامل گویش‌های شمال غربی، گویش‌های شمال شرقی، گویش‌های جنوب غربی و گویش‌های جنوب شرقی است و گویش مورد بحث در این مقاله در کنار گویش‌های آران‌ی، قهرودی، ایبانه‌ای، میمه‌ای، فریدنی، ابوزیدآبادی، نطنزی، سویی، تاری و فریزندی از جمله گویش‌های شمال شرقی به حساب می‌آید (ر.ک. رضایی باغبیدی، ۱۳۸۰: ۳؛ ابراهیمی و عظیم‌پور، ۱۳۹۰: ۲۴).

سرنوشت واژه‌ها همانند انسان‌هاست، زمانی متولد می‌شوند، در برهه‌ای می‌بالند و در تلاطم‌ها و تحولات، تغییر می‌یابند، بعضی از آن‌ها می‌مانند و برخی دیگر از بین می‌روند. «واژگان به فراخور زمان خود پدید می‌آیند، رشد می‌کنند و در دوران رشد خود دچار تغییر و تحولاتی می‌شوند، گاهی از زبانی به زبان دیگر منتقل می‌شوند و ملیت همان زبان را می‌پذیرند و در صورت جدید، معنای جدیدتری می‌یابند، حال ممکن است جاودان بمانند یا آن که از درجه اعتبار ساقط شوند و یا آن که فقط رد پای از آن‌ها باقی بماند. به هر صورت این واژگان، آینه تمام‌نمای یک ملت خواهند بود» (مظفری، ۱۳۹۰: ۱۱). حیات واژه‌ها به مسایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی بستگی دارد. چه بسیار واژه‌هایی که در یک برهه از زمان، خوش درخشیده‌اند و با تغییرات اجتماعی یا سیاسی، افول کرده و واژه‌های جدیدی جایگزین آن‌ها شده است. اما در گویش‌ها این تغییرات کمتر احساس می‌شود و به عبارت دیگر ملایم‌تر است؛ چون گویشوران، واژه‌های جدید یا دخیل را می‌پذیرند ولی در دستگاه آوایی خودشان از همان لحظه ورود در آن‌ها تغییر و تحول ایجاد کرده و سپس آن‌ها را به کار می‌برند و ماندگار می‌سازند. قسمت زیادی از تفاوت زبان فارسی امروز با گذشته به تفاوت واژگان این دو برمی‌گردد که البته مسئله‌ای جبری و گریزناپذیر است (ر.ک. برومندسعید، ۱۳۶۳: ۷) ولی در گویش‌ها کمتر تفاوتی بین

واژه‌های گذشته و امروز آن به چشم می‌خورد. واژه‌هایی که از همان ابتدا در طی قرون گذشته به کار رفته، سینه به سینه نقل گردیده تا به امروزیان رسیده است و اغلب هیچ تغییر محسوسی در آن‌ها صورت نگرفته است.

۲-۱. ضرورت و هدف تحقیق

از آن‌جا که مهم‌ترین ویژگی زبان، زایایی آن است و هر زبان متناسب با نیاز خود، خالق واژه‌های جدید می‌شود، توجه به این نکته ضرورت می‌یابد که گویش‌ها در ساخت واژه‌های جدید نقشی نداشته و واژه‌های ساختگی را با اندک تغییر و تحولی می‌پذیرند لذا نقش پررنگ فرآیند واجی نمود می‌یابد. چون بسیاری از واژه‌های گویش‌ها از جمله گویش بادرودی - اریسمانی در مقایسه با زبان فارسی دچار فرآیند واجی شده‌اند، با بررسی اجمالی واژه‌ها در این گویش مسیر تغییر و تحول آن‌ها مشخص می‌شود و بخشی از ناگفته‌های این گویش، شکل مکتوب یافته و زوایای پنهان آن آشکار می‌گردد.

۳-۱. روش تحقیق

این پژوهش به صورت میدانی و از راه مصاحبه با گویشوران بادرود و اریسمان انجام گرفته است، البته در تدوین مطالب از کتب دستور زبان فارسی و معدود منابع مکتوبی که درباره این گویش موجود است بهره برده شده است.

۲. بحث

۱-۲. واژه‌های گویش بادرودی - اریسمانی

با بررسی گویش بادرودی - اریسمانی می‌توان واژه‌های به کاررفته در آن را به سه دسته تقسیم نمود:

۱-۱-۲. واژه‌های مهجور یا متروک

چون عمر واژه‌ها به کاربرد آنها بستگی دارد، می‌توان گفت در این گویش برخی از واژه‌ها مرده‌اند و از لحاظ کاربرد، در سطح حوزه جغرافیایی منطقه رنگ باخته و نقش ارتباطی خود را از دست داده‌اند. با توجه به این که این واژه‌ها اغلب بر افواه سالخوردگان بادرود جاری بوده‌اند، بعد از آن که گویشوران سالخورده سر در نقاب خاک کشیده‌اند بخش قابل توجهی از واژه‌های کهن و قدیمی نیز از گردونه ارتباط کلامی حذف و به حیطة فراموشی سپرده شده‌اند.

فارسی معیار	بادرودی- اریسمانی	آوانگاری
رعد و برق	قورقورو	qurquru
خرگوش	آوریش	?awriš
خرچنگ	کجنگ	kajang

۲-۱-۲. واژه‌های نیمه‌فراموش شده

این دسته واژه‌هایی هستند که افراد میانسال و کهنسال هنوز هم با توجه به موقعیت‌های خاص آن‌ها را به کار می‌برند ولی کودکان و نوجوانان و حتی جوانان نه تنها از این واژه‌ها استفاده نمی‌کنند، چه بسا معنا و مفهوم آن‌ها را نیز درک نمی‌نمایند.

فارسی معیار	بادرودی، اریسمانی	آوانگاری
جارو	اسجن	?asjan
قاشق	چمچه	čomča
پله	أرچن	?orčon

۳-۱-۲. واژه‌های مصطلح با فرایندهای واجی

هرگاه بین شکل گفتاری و نوشتاری واژه‌ها، تفاوت وجود داشته باشد، نوعی فرآیند در آن رخ داده است که به آن فرآیند واجی می‌گویند. اغلب واژه‌های گویش بادرودی- اریسمانی دارای فرآیند هستند به گونه‌ای که می‌توان مهم‌ترین ویژگی و شاخص این گویش را تأثیر فرآیند واجی در شکل و ساختار واژه‌های مصطلح در آن به شمار آورد. «واج‌ها در برخی از بافت‌های آوایی بر یک دیگر تأثیر می‌گذارند و در نتیجه به گونه‌ای تغییر می‌یابند؛ به بیان دیگر، در برخی موارد مشخصه‌های واجی از صدایی به صدای مجاور گسترش می‌یابد و موجب می‌شود که یک واج بر حسب بافت آوایی خاصی که در آن به کار می‌رود با تأثیرپذیری از مشخصه‌های واجی مجاور با تغییر خاصی تلفظ شود» (عمرانی، ۱۳۸۲: ۳۲). بنابراین می‌توان گفت در آواشناسی، تغییرات آوایی زبان را فرآیند واجی می‌گویند. لازم به ذکر است که واج‌شناسی «علمی است که به بررسی و توصیف نظام و الگوهای واجی می‌پردازد و در واقع، دانش ناخودآگاهی را که اهل زبان درباره الگوهای آوایی زبان خود دارند، توصیف می‌کند. واج‌شناسی بیشتر

به جنبه‌های ذهنی آواها می‌پردازد و مطالعه جنبه‌های فیزیکی و واقعی آواها را به «آواشناسی» واگذار می‌کند» (همان: ۲۳۰).

با توجه به این که در گویش بادرودی - اریسمانی، واژه‌ها به سادگی به وام گرفته شده‌اند و تغییرات جزئی و کلی در آن‌ها صورت گرفته است، بررسی و واکاوی این مقوله می‌تواند بخشی از ناگفته‌های این گویش و زوایای پنهان آن را آشکار سازد.

در این پژوهش تغییرات انجام یافته در واژه‌های گویش بادرودی - اریسمانی ذیل فرایندهای کاهش، افزایش، قلب، ادغام، ابدال و چند فرایندی بررسی می‌گردد.^۱

۲-۲. کاهش

در زنجیره گفتار «در بعضی از واژه‌ها، واج‌هایی که از جهت تمایز معنایی، نقشی به عهده ندارند حذف می‌شوند. حذف واج ممکن است از اول یا وسط یا آخر کلمه صورت بگیرد» (باقری، ۱۳۷۷: ۱۲۰). این فرایند که به کاهش نیز تعبیر می‌شود در گویش بادرودی - اریسمانی نیز از بسامد بالایی برخوردار است.

۲-۲-۱. حذف واج پایانی

فارسی معیار	بادرودی- اریسمانی	آوانگاری
گاو	گا	gā
نماز	نما	namā
راست	راس	rās
دروغ	درو	doru
پوست	پوس	pus
گیسو	گیس	gis
کلفت	کلف	kolof
قسط	قس	qes
مزد	مز	moz

^۱ در برخی گویش‌های همسان مثل گویش جوشقانی نیز تعدادی از این واژه‌ها عیناً یا با تغییرات اندک قابل مشاهده و بررسی است (ر.ک. زرگری، ۱۳۸۸: ۳۱۲-۳۹۵).

doz	دز	دزد
qan	قن	قند
çu	چو	چوب
doros	درس	درست
darbas	دربس	دربست
ru	رو	روز
sob	صب	صبح
ça	چا	چاه
siyā	سیا	سیاه
rā	را	راه
gonā	گنا	گناه
panā	پنا	پناه
tagar	تگر	تگرگ
haštā	هشتا	هشتاد
lām	لام	لامپ
mās	ماس	ماست
mā	ما	ماه
šā	شا	شاه
barād	براد	برادر

۲-۲-۲. حذف واج دوم

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
çaqu	چقو	چاقو
?avāl	اوال	احوال
ji	جی	جوی
?etrām	اترام	احترام
çam	چم	چشم
šar	شر	شهر
nāl	نال	نهال

davā	دوا	دعوا
ĉār	چار	چهار
tārof	تارف	تعارف
?amad	امد	احمد
zar	زر	زهر
mor	مُر	مهر
mamud	ممود	محمود
gaz	گز	گاز
sarā	صرا	صحرا

۲-۲-۳. حذف واج‌های میانی

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
nefin	نفین	نفرین
nazik	نزیک	نزدیک

۲-۲-۴. حذف واج آغازین

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
?āk	آک	خاک
rus	روس	خروس
?āšā	آشا	حاشا
?āke qand	آکه قند	خاکه قند

۲-۲-۵. حذف واج‌های پایانی

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
xu	خو	خواهر
pe	پِ	پدر
kel	کِل	کلید

۳-۲. افزایش

این فرایند هنگامی صورت می‌گیرد که بر خلاف روال معمول، ترکیب هجاهای فارسی دو واج همخوان در آغاز واژه قرار بگیرند که در این صورت یا بین دو واج همخوان آغازی واکه‌ای قرار می‌گیرد و یا قبل از آن دو همخوان، یک همزه و یک واکه افزوده می‌شود. همچنین هرگاه در یک کلمه ترکیبی، دو واکه کنار هم قرار بگیرند به دلیل روا نبودن التقای واکه‌ها در زبان فارسی، یک واج میانجی بین آن دو واکه افزوده می‌شود (ر.ک. باقری، ۱۳۷۷: ۱۲۲)؛ به عبارت دیگر، در این فرایند و در مقایسه با واژگان فارسی معیار، به واژه‌ها واج یا واج‌هایی افزوده می‌شود.

فارسی معیار	بادرودی- اریسمانی	آوانگاری
بخاری	باخاری	bāxāri
بهار	باهار	bāhār
ناخن	ناخون	nāxun
یواش	یاواش	yāvāš
شتر	اشتر	?oštōr
شکم	اشکم	?aškam
شکار	اشکار	?eškār
شپش	أشپش	?ošboš
مَن	مین	min

برخی از واژه‌های ذکر شده در مقایسه با فارسی امروزی در گروه فرایند افزایش جای گرفته‌اند ولی اگر بخواهیم دقیق‌تر به آن‌ها بنگریم این واژه‌ها می‌توانند در گروه کاهش قرار گیرند؛ به طور مثال، واژه «(شکار)» در قدیم به همین شکل کاربرد داشته است و بعدها «(ا)» از اول آن حذف شده است ولی در این گویش هنوز هم شکل قدیم خود را حفظ نموده است.

۴-۲. قلب

یکی دیگر از دگرگونی‌های آوایی که از دورهٔ میانه به فارسی جدید رسیده است و موجب آسان‌تر تلفظ شدن واژه‌هاست «قلب» یعنی جابه‌جایی واج‌ها است (ر.ک. باقری، ۱۳۷۷: ۱۴۸ و کلباسی، ۱۳۷۰: ۷۶)؛

به عبارت دیگر هرگاه دو واج اعم از نزدیک یا دور در یک واژه جای خود را عوض کنند، فرایند قلب صورت گرفته است.

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
nexr	نخر	نرخ
nalat	نعلت	لعت
maxsera	مخسره	مسخره
kars	کرس	کسر
keft	کفت	کتف
qolf	قلف	قفل
?ask	عسک	عکس
?eqş	عقش	عشق
zarj	زرج	زجر
bij	بیج	جیب
bafr	بفر	برف
salt	سلط	سطل
?arqab	عرقب	عقرب
reqz	رقز	رزق
noxsa	نخسه	نسخه
mazq	مزغ	مغز

۲-۵. ادغام

«یکی دیگر از فرایندهای واجی، ادغام شدن خصوصیات دو واج در یکدیگر و تبدیل دو واج به یک واج است» (باقری، ۱۳۷۷: ۱۱۶) که به آن «ادغام» می‌گویند. در گویش بادرودی- اریسمانی گاهی به هنگام ادغام، ابدال مصوت‌ها نیز صورت می‌گیرد.

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
xassa	خسّه	خسته
jadda	جده	جاده
pessa	پسه	پسته
yāzze	یاژه	یازده
mozzi	مژی	مزدی
jorrat	جرت	جرئت
kattār	کتار	کفتار
xassegi	خسگی	خستگی
dozzi	دژی	دزدی
dassa	دسه	دسته
?āssar	آسر	آستر
?essaxāra	آساره	استخاره
sizze	سیزه	سیزده

۲-۶. ابدال

گاهی در زنجیره گفتار، همنشینی دو واج سبب می‌شود که یکی از آن‌ها تحت تأثیر دیگری قرار گرفته و به واحد زنجیری دیگری مبدل شود که به آن ابدال گفته می‌شود (ر.ک. حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۶۰). ابدال به دو صورت انجام می‌گیرد: یکی در صامت‌ها و دیگری در مصوت‌ها.

۲-۶-۱. تبدیل «ب» به «و» (aw)

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
law	لو	لب
?awr	اور	ابر
sawz	سوز	سبز
kawk	کوک	کبک

۲-۶-۲. تبدیل «ب» به «و» (v)

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
šav	شو	شب
vād	واد	باد
vas	وس	بس
varf	ورف	برف
vad	ود	بد
vačča	وچه	بچه
vadzāt	ودذات	بدذات
vadbu	ودبو	بدبو
savad	سود	سبد

در گویش بادرودی- اریسمانی، پیشوند «بی» در بسیاری از واژه‌ها به «و» تبدیل می‌شود و این بسامد بالا می‌تواند یکی از ویژگی‌های این گویش محسوب گردد:

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
ve?aql	وِعقل	بی عقل
ve?adab	وِادب	بی ادب
vexabar	وِخبر	بی خبر
vehonar	وِهنر	بی هنر
vehāl	وِحال	بی حال

۲-۶-۳. تبدیل «و» به «ب»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
bafā	بفا	وفا
payrab	پیرب	پیرو

۲-۶-۴. تبدیل «د» به «ی»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
konji	کنجی	کنجد

۲-۶-۵. تبدیل «ت» به «ک» و حذف تشدید

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
zorrak	ذزک	ذرت

۲-۶-۶. تبدیل «ت» به «م» و تغییر مصوّت

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
sākom	ساکم	ساکت

۲-۶-۷. تبدیل «و» به «ی»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
fozil	فضیل	فضول
jādi	جادی	جادو
bārit	باریت	باروت
qabil	قبیل	قبول
sābin	صایین	صابون
tābit	تاییت	تابوت
ma?lim	معلیم	معلوم

۲-۶-۸. تبدیل «د» به «ز»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
gombaz	گمبز	گنبد

۲-۶-۹. تبدیل «ج» به «گ»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
gazan	گزن	جَزَن (روستایی در نطنز)

۲-۶-۱۰. تبدیل «ج» به «ی» ضمن این که مصوّت‌ها نیز تغییر می‌کنند.

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
yadā	یدا	جدا
yuš	یوش	جوش
kiyā	کیا	کجا

۲-۶-۱۱. تبدیل «خ» به «ف»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
koluf	کلوف	کلوخ

۲-۶-۱۲. تبدیل «ب» به «ف»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
tanāf	طناف	طناب
zanjefil	زنجفیل	زنجبیل

۲-۶-۱۳. تبدیل «گ» به «ق»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
raq	رق	رگ
riq	ریق	ریگ

۲-۶-۱۴. تبدیل «ر» به «ل»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
?anjil	انجیل	انجیر
zanjil	زنجیل	زنجیر
kalafs	کلفس	کرفس
šalvāl	شلوال	شلوار
xiyāl	خیال	خیار
musil	موسیل	موسیر
lubā	لوبا	روباه
šil	شیل	شیر

۲-۶-۱۵. تبدیل «ق» به «خ»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
vaxt	وخت	وقت
raxs	رخص	رقص
yaxa	یخه	یقه
taxsír	تخصیر	تقصیر
vaxf	وختف	وقف
boxça	بخچه	بقچه

۲-۶-۱۶. تبدیل «ف» به «aw»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
?awsār	اوسار	افسار
darawš	دروش	درفش
kawš	کوش	کفش
banawš	بنوش	بنفش

۲-۶-۱۷. تبدیل «ز» به «ج» با تغییر مصوّت

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
jir	جیر	زیر
ruj	روج	روز
gašnij	گشنیج	گشنیز
jen	جن	زن
ruja	روجه	روزه
narij	نریج	نریز
suj	سوج	سوز

۲-۶-۱۸. تبدیل «د» به «ر»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
sanjar	سنجر	سنجد

۲-۶-۱۹. تبدیل «ب» به «ن»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
šondar	شندر	شبدر

۲-۶-۲۰. تبدیل «پ» به «ف»

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
šayfur	شیفور	شیپور
kafak	کفک	کپک

۲-۶-۲۱. تبدیل «خ» به «ء - همزه» با تبدیل مصوّت‌ها

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
?arbeza	اربزه	خربزه
?ošk	اشک	خشک
?ešt	اشت	خشت
?uša	اوشه	خوشه

۲-۶-۲۲. تبدیل «ا» به «ی» (اماله)

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
xajilat	خجیلت	خجالت
bāqli	باقلی	باقلا
konjila	کنجیله	کنجاله

در این گویش واژگان فراوانی وجود دارند که چندین فرایند در آن‌ها صورت گرفته است؛ نظیر واژه «ستاره» که به «اسرو» (?esseru) تغییر شکل داده است؛ در این واژه «ا» طبق فرایند افزایش، اضافه شده، بعد «س» در «ات» ادغام گردیده است، سپس یک «الف» حذف شده است و واج آخر آن از کسره به «و» تغییر شکل داده است. یا واژه «برگ» به صورت «ولگ» (?valg) و «سپیدار» به شکل «اسپیدال» (?ospidāl) درآمده است. این واژه‌ها در گویش بادرودی- اریسمانی بسامد بالایی دارند که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان چند فرایندی مطرح نمود.

۷-۲. چند فرایندی

هرگاه دو یا چند فرایند در یک واژه صورت بگیرد به آن «چند فرایندی» می‌گویند که در این گویش بسامد نسبتاً قابل توجهی دارد که در این جا به چند نمونه از آن بسنده می‌شود:

آوانگاری	بادرودی- اریسمانی	فارسی معیار
?āssa	آسه	آهسته
maçêded	مچد	مسجد
saws	سوس	سبوس
dot	دُت	دختر
paran	پرن	پیراهن
poşxab	پشخاب	بشقاب
pen	پن	پهن
çarā	چَرا	چراغ
tofa	تفه	تحفه

۳. نتیجه‌گیری

زبان فارسی در جریان تحوّل تاریخی خود از نظر اصوات و واج‌ها، دستگاه صرفی و نحوی و از جهت واژگان و بار معنایی آن‌ها دگرگونی‌هایی داشته است. از آن جا که گویش‌ها نیز رابطهٔ نزدیک و تنگاتنگی با زبان فارسی دارند، بالطبع تغییر و دگرگونی در زبان فارسی آن‌ها را بی‌نصیب نگذاشته است. گویش بادرودی- اریسمانی نیز از این حیث در امان نمانده است. اگر چه تعدادی از واژگان این گویش، مهجور و متروک گشته‌اند اما تغییر و تحول واجی به‌ویژه ابدال در مصوّت‌ها یکی از نکات برجسته و قابل تأمل در این گویش است. بسامد این فرایند آن قدر بالا است که می‌توان ادعا نمود کمتر واژه‌ای از فرایند ابدال در مصوّت در امان مانده است. البته علی‌رغم این که در فارسی محاوره‌ای امروزی، همه جا تمایل ابدال فتحه (a) اصلی به کسره (e) است و این تمایل در پایان کلمات، امری عام و عادی است ولی این تحول در گویش بادرودی- اریسمانی صورت نگرفته است و همچنان در آخر واژه‌هایی که با «ه» بیان حرکت ختم می‌شوند، «فتحه» وجود دارد؛ نظیر نامه، سینه، کاسه. برخی واژه‌های دخیل که مستقیماً وارد زبان فارسی شده‌اند نیز هنگام ورود به این گویش دچار فرایند آشکاری شده‌اند؛ نظیر «تراکتور» که به صورت «تلکتور» و «ترکتول» در آمده است. بنابراین می‌توان گفت که

کتر واژه‌ای است که به گویش بادرودی - اریسمانی راه یافته باشد و دستخوش فرایندهای واجی نشده باشد.

منابع

کتاب‌ها

- ۱- ابراهیمی، قربانعلی و عظیم پور اردستانی، علیرضا، (۱۳۹۰)، واژه‌نامه گویش اردستان، اصفهان، نشر فردا .
 - ۲- باقری، مه‌ری، (۱۳۷۷)، تاریخ زبان فارسی، تهران، نشر قطره .
 - ۳- برومند سعید، جواد، (۱۳۶۳)، دگرگونی های واژگان در زبان فارسی، تهران، انتشارات توس .
 - ۴- حق شناس، علی محمد، (۱۳۹۳)، آوا شناسی [فونتیکی]، چاپ پانزدهم، تهران، آگاه .
 - ۵- رضایی باغبیدی، حسن، (۱۳۸۰)، معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایران، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی .
 - ۶- زرگری، رحمت‌الله، (۱۳۸۸)، تاریخ، فرهنگ و هنر جوشقان قالی، چاپ اول، آبادان، نشر پرسش .
 - ۷- عمرانی، غلامرضا و دیگران، (۱۳۸۲)، زبان فارسی (۱)، چاپ دوم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران .
 - ۸- کلباسی، ایران، (۱۳۷۰)، فارسی اصفهانی، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
 - ۹- مظفری، نسرین، (۱۳۹۰)، واژگان متروک زبان فارسی (تا قرن پنجم هجری به استثنای شاهنامه)، چاپ اول، تهران، انتشارات شلاک .
 - ۱۰- نقدی بادی، حسین، (۱۳۸۵)، یادمان کویر: بادرود، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات دانش حامدون .
- مقاله‌ها
- غلامی بادی، علیرضا، (۱۳۸۷)، «واژگان گویش بادرودی - اریسمانی»، کیهان فرهنگی، سال ۲۵، شماره ۲۵۸، صص ۶۶-۶۹.